

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خرید و فروش دستگاه بدون قبض!

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

شیخ معزز، منت گذاشته و پرسش شخصی ام را که در مورد خرید و فروش است، پاسخ دهید! من یک کارگاه دارم که 400 متر مربع مساحت داشته و در آن یک دستگاه نجاری نیز دارم؛ شخصی نزد آمد تا آن دستگاه را از من بخرد و من هم آن را برایش فروختم؛ بعد از آن کارگاه را از من به اجاره خواست تا دستگاهی را که از من خریده بود، در آنجا بگذارد و از آن استفاده نماید؛ من بر این امر نیز موافقت کردم؛ باوجود این که دستگاه چیزی منقول است، با آن هم در آنجا باقی گذاشته شد و نقل داده نشد؛ درحالی که کلیدهای کارگاه نزد مستأجر (مالک دستگاه) است و او مالک کامل منفعت کارگاه نیز می باشد؛ در صورتی که چیزی از کارگاه را تلف نموده و ضرری بر آن وارد نکند، آیا معامله ما با این وصف که دستگاه انتقال داده نشده، همه شروط مشروعه را در بر دارد و یا خیر؟ و یا این معامله ما به خاطر انتقال نیافتن دستگاه و باقی ماندن اش در کارگاه، که آنرا خریدار دستگاه به اجاره گرفته، باطل است؟ الله سبحانه وتعالی شما را برکت داده تا توسط شما فتح نصیب ما بفرماید. اگر ممکن باشد، امیدوارم پرسش ام را زودتر پاسخ دهید؛ چون بسیار عاجل ضرورت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

قبض کردن و در تصرف درآوردن مبیعه فقط در اشیایی شرط صحت بیع است که از جمله موزونات، مکیلات و معدودات باشند؛ مثل: رخت، برنج، تربوز و کیله. پس این چنین اشیایی که پیمانه، متر و اندازه، عدد و شمار و یا به وزن و ترازو فروخته می شوند؛ در همه این اشیاء واجب است که حین خرید و فروش، مشتری آنرا از جایش انتقال دهد؛ هم چنان فروشنده برای این که این اشیاء را فروخته بتواند، باید آنرا قبض نموده و در دوکان خود بیاورد؛ بنابر این، برای تاجر جایز نیست تا جنسی را به فروش برساند که مالک آن نبوده و در ملکیت اش نباشد؛ چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«مَنْ ابْتِئَاعَ طَعَامًا فَلَا يَبِعُهُ حَتَّى يَسْتَوْفِيَهُ»

(رواه بخاری)

ترجمه: کسی که غله‌ای را خرید، برایش جایز نیست آن را بفروشد تا آن که آن را کاملاً قبض کند.

مسلم از ابن عمر روایت کرده است که گفت: «ما از تجار و واردکنندگان، غله را به طور تخمینی می خریدیم و پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را از فروش آن قبل از انتقال دادن از جایش منع فرمود» و هم چنان مسلم روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَنْ ابْتَاعَ طَعَامًا فَلَا يَبِعُهُ حَتَّى يَكْتَالَهُ»

(رواه مسلم)

ترجمه: هرکسی غله‌ای را خرید، قبل از پیمانانه کردن آن را بفروشد.

و از حکیم ابن حزام روایت است که گفت:

«قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَشْتَرِي بِيُوعًا فَمَا يَحِلُّ لِي مِنْهَا وَمَا يُحَرِّمُ عَلَيَّ قَالَ فَإِذَا اشْتَرَيْتَ بَيْعًا فَلَا تَبِعْهُ حَتَّى تَقْبِضَهُ»

(رواه احمد)

ترجمه: من به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتم: «یا رسول الله! من چیزهایی را خریداری می کنم؛ پس چه چیز برایم حلال و چه چیز حرام است؟» رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چیزی را که خریدی آن را بفروش تا آن که آن را قبض نموده و در اختیار می آوری.»

از زید بن ثابت روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از فروختن جنس، پیش از قبض کردن و به تصرف درآوردن آن منع فرمود. این را ابوداود روایت نموده است. احمد در مسند خود از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَنْ اشْتَرَى طَعَامًا بِكَيْلٍ أَوْ وَزْنٍ فَلَا يَبِعُهُ حَتَّى يَقْبِضَهُ»

(رواه احمد)

ترجمه: هرکس غله و خوراکی را با پیمانانه و وزن خرید، آن را بفروشد تا آن که آن را قبض کند.

احادیث ذکر شده به طور واضح بالای دو چیز صراحت دارد: یکی بالای پیمانانه و وزن و دیگر به طور عام بالای غله که پیمانانه، وزن و یا هم شمار می شوند؛ چون غله گاه گاهی به شمار فروخته می شود؛ مثل: برخی از میوه ها. بنابر این، شرط قبض کردن متعلق به تمام چیزهایی است که توسط آن چه که غله با آن اندازه گیری می شود، اندازه گیری شود؛ مثل: پیمانانه، وزن و شمردن.

اما اشیایی که پیمان، وزن و شمار نمی شوند، در خرید و فروش آن‌ها قبض کردن شرط نیست و این قاعده بالای خانه، زمین، حیوان، و امثالهم نیز منطبق می شود؛ چون خانه و زمین نقل داده نمی شود. اما حیوان به خاطر وارد شدن حدیثی که بخاری از ابن عمر روایت می کند، در این جمع آمده است و آن این که عمر بالای بکر یک رأس اسپ داشت، به شرح زیر:

«فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعْنِيهِ فَقَالَ عُمَرُ هُوَ لَكَ فَاشْتَرَاهُ ثُمَّ قَالَ هُوَ لَكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَاصْنَعْ بِهِ مَا شِئْتَ»

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفت: آن را به من بفروش! عمر گفت: آن از تو شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را خرید؛ سپس فرمود: آن از تو است ای عبد الله، هر تصرفی که می خواهی در آن بکن!

در این حدیث واضح می گردد که پیامبر صلی الله علیه وسلم اسپ را از عمر خرید و قبل از قبض کردن آن را به عبدالله ابن عمر فروخت. هم چنان مسلم در صحیح خود از عامر روایت می کند که گفت: جابر ابن عبدالله به من قصه کرد که من شتری داشتم که بر آن سفر می کردم و زیاد ناتوان شده بود؛ پس تصمیم گرفتم که آن را مهمل رها کنم، ناگهان پیامبر صلی الله علیه وسلم پیدا شد و برایم دعا کرد و آن را با چیزی زد؛ پس چنان رفتاری کرد که قبلاً مثل اش را نکرده بود. گفت: این را برایم در بدل یک اوقیه (40 درهم) بفروش، گفتم: نه! گفت: بفروش؛ پس آن را در بدل یک اوقیه فروختم و شرط گذاشتم که مرا تا خانه ام برساند؛ چون به خانه رسیدم شتر را برایش بردم و او پول اش را به من داد و برگشتم؛ سپس در عقب ام کسی را فرستاد و گفت: چه فکر می کنی تو را برگشاندم تا شترت را بگیرم؟ بگیر، شتر و پول هردو از تو باشد.

در این حدیث واضح می شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم شتر جابر را خرید و آن را قبض نکرد و جابر بر آن شتر تا خانه اش رفت و بعد از آن، آن را به جابر بخشید. بنابر این، فروش حیوان و امثالش از چیزهایی است که عادتاً به وزن، پیمان و شمارش فروخته نمی شوند؛ پس قبض کردن مبیعه در تکمیل بیع آن شرط نیست.

آنچه در نزد من راجح است، این است: دستگاه نجاری که شما از آن پرسیده اید؛ مثل حیوان است و بر آن صحت بیع بدون قبض و نقل از جایش تطبیق می شود. به عبارت دیگر، انعقاد بیع دستگاه درست است، برابر است که آن را خریدار به خانه خود انتقال داده و یا جایش را اجاره گرفته و آن را در همان جا بگذارد.

الله سبحانه و تعالی شما را در خرید و فروش دستگاه برکت دهد! این را راجح تر می بینم و الله سبحانه و تعالی عالم تر و حاکم تر است.

برادران عطاء ابن خلیل ابوالرشته

22 جمادی الاول 1439 هـ.ق

18 فبروری 2018 م